



Sociological Analysis of the Failure of Agricultural Joint-Stock Companies Following Land Reforms (Case Study: Rudpish Agricultural Joint-Stock Company in Fuman)

Seyyed Hossein Fazeli¹ | Davood Razi² | Ali Asghar Firouzjaeian³ | Seyyed Hashem Moosavi⁴

1. Corresponding author, Department of Social Science, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. E-mail: seyyedhosseinfazeli@yahoo.com
2. Department of Social Science, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. E-mail: razi@umz.ac.ir
3. Department of Social Science, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. E-mail: a.firozjavan@umz.ac.ir
4. Department of Social Science, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran. E-mail: hmosavi@guilan.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 06 April 2023

Received in revised form: 05 July 2023

Accepted: 16 July 2023

Published: 20 September 2023

Keywords:

Agricultural Company, Fuman, Land Reforms, Rudpish, Rural Development, Joint-Stock

ABSTRACT

Land reforms can be regarded as the most significant event of the past century in Iranian agrarian society, which is debated from a variety of expert perspectives. One of the complementary policies of land reforms was the unsuccessful establishment of communal exploitation units such as agricultural joint-stock companies.

This qualitative study investigates the process of agricultural joint-stock company exploitation systems disintegrating. The data was gathered through open and semi-structured interviews with 15 members, shareholders, and involved individuals of the Rudpish agricultural joint-stock company in Fuman, and then analyzed and described using the method of theme analysis.

Prior to their establishment, companies faced sociocultural, economic, subsistence, and legal issues encompassing ignorance, involuntary (forced) participation, unknown benefits and profits, and ownership, according to the findings of this study. Socio-cultural, technical, legal, and organizational issues including social rejection, inflexibility, managers' lack of interaction with people, shareholders' feeling of powerlessness, failure in stabilization of modern techniques, changing contracts of companies and farmers multiple times, a sense of dispossession, a lack of an effective reward and punishment system, unskilled managers and employees, and a lack of an effective trustee system plagued the companies after their establishment.

The current study demonstrates that disregarding the cultural conditions and experiences of local people, disregarding their ownership, and failing to plan to obtain social trust – which is essential to the social capital required for the success of any local development plan – will result in the failure of efforts to create new exploitation systems.

Cite this article: Fazeli, S.H; Razi, D.; Firouzjaeian, A.A & Moosavi, S.H. (2023). Sociological analysis of the failure of agricultural Joint-Stock companies following land reforms (Case study: Rudpish agricultural Joint-Stock company in Fuman), *Community Development (Rural and Urban)*, 15 (1): 27-48. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.360050.668796>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.360050.668796>

بررسی جامعه‌شناختی عدم موفقیت شرکت‌های سهامی زراعی در دوران بعد از اصلاحات ارضی

(مورد مطالعه: شرکت سهامی زراعی رودپیش فومن)

سیدحسین فاضلی^۱ | داود رضی^۲ | علی اصغر فیروزجائیان^۳ | سید هاشم موسوی^۴

۱. نویسندهٔ مسئول، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: seyvedhosseinfazeli@yahoo.com

۲. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: razi@umz.ac.ir

۳. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. رایانامه: a.firozjavan@umz.ac.ir

۴. گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: hmosavi@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۴/۱۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۵</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۶/۲۹</p> <p>کلیدواژه‌ها: اصلاحات ارضی، توسعه روستایی، رودپیش، شرکت سهامی زراعی، فومن.</p>	<p>اصلاحات ارضی را می‌توان مهم‌ترین اتفاق در جامعهٔ روستایی ایران در یکصد سال اخیر دانست که صاحب‌نظران دربارهٔ آن از منظرهای مختلف به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. تشکیل واحدهای بهره‌برداری جمعی مانند شرکت‌های سهامی زراعی، از سیاست‌های متمم اجرای اصلاحات ارضی بود که چندان توفیق نیافت.</p> <p>پژوهش حاضر به شیوهٔ کیفی به فرایند فروپاشی نظام بهره‌برداری شرکت‌های سهامی زراعی می‌پردازد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های باز و نیمه‌ساخت‌یافته از ۱۵ نفر از اعضا، سهامداران و دست‌اندرکاران شرکت سهامی زراعی رودپیش فومن گردآوری و داده‌ها با روش تحلیل مضمون، توصیف و تحلیل شد.</p> <p>مسائل اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی-معیشتی و حقوقی-قانونی با مضامینی مانند ناآگاهی، مشارکت غیرداوطلبانه، منفعت نامعلوم و مالکیت، پیش از آغاز فعالیت شرکت و مسائل اجتماعی-فرهنگی، فنی-تکنیکی، حقوقی-قانونی و سازمانی-تشکیلاتی با مضامینی مانند عدم پذیرش اجتماعی، انعطاف‌ناپذیری مدیران، احساس بی‌قدرتی سهامداران، شکست روش‌های نوین، تغییر چندبارهٔ قراردادها، احساس سلب مالکیت، دست‌اندرکاران غیرمتخصص و نبود تشکیلات اداری و نظام جزا و پاداش کارآمد در زمان فعالیت آن، از مؤلفه‌های مؤثر در سرانجام شرکت بوده‌اند.</p> <p>این پژوهش نشان می‌دهد در نظرنگرفتن شرایط فرهنگی و تجربهٔ زیستهٔ مردم بومی، عدم احترام به مالکیت و نبود برنامه‌ریزی برای کسب اعتماد اجتماعی-که لازمهٔ سرمایهٔ اجتماعی مورد نیاز برای موفقیت هر طرح توسعهٔ محلی است- ایجاد یک نظام بهره‌برداری جدید را به شکست خواهد کشاند.</p>

استناد: فاضلی، سیدحسین؛ رضی، داود؛ فیروزجائیان، علی اصغر و موسوی، سیدهاشم (۱۴۰۲). بررسی جامعه‌شناختی عدم موفقیت شرکت‌های سهامی زراعی در دوران بعد از اصلاحات ارضی (مورد مطالعه: شرکت سهامی زراعی رودپیش فومن). توسعهٔ محلی (روستایی-شهری)، ۱۱۵(۱): ۲۷-۴۸.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2023.360050.668796>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسهٔ انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.360050.668796>

۱. مقدمه و بیان مسئله

شرکت‌های سهامی زراعی، گونه‌ای رسمی از نظام‌های بهره‌برداری تجاری‌اند که در مرحله دوم اصلاحات ارضی به‌منظور حل مشکل پراکندگی اراضی توسط دولت ایجاد شدند. مشکلات ناشی از اجرای برنامه تقسیم اراضی، کاهش تولیدات کشاورزی در نتیجه فروپاشی ساخت ارضی مبتنی بر بزرگ‌مالکی، متلاشی‌شدن واحدهای جمعی سنتی، ناکارایی تعاونی‌های روستایی در زمینه کمک به بازدهی تولید و تأمین آب زراعی و به‌طور کلی عدم موفقیت سازمان‌های نوظهور روستایی در جایگزینی مالک برای پرکردن خلأ ناشی از خروج او، دولت را به فکر ایجاد واحدهای جمعی دولتی تحت عنوان شرکت‌های سهامی زراعی، برای چاره‌جویی و خروج از این مشکلات انداخت (وثوقی، ۱۳۹۱: ۱۴۷).

براساس قانون شرکت‌های سهامی زراعی مصوب ۱۳۴۶، دولت برای ایجاد این شرکت‌ها اهدافی بلندمدت ترسیم کرده بود که می‌توان به یکپارچه‌سازی اراضی و کشت، تلفیق خردمندانه مدیریت، فن، نیروی انسانی، اعتبار و ابزار و ماشین‌آلات کشاورزی، متشکل‌ساختن توانایی‌های پراکنده انسانی و مادی روستاها، ایجاد زمینه لازم برای ارائه خدمات زیربنایی و به‌زراعی، به‌کارگیری روش‌ها، فنون و ابزار و ماشین‌آلات کشاورزی، ارتقای سطح تولیدات زراعی، باغی و دامی، بسط و گسترش صنایع نگهداری، تبدیلی و تکمیلی، افزایش ارزش‌افزوده، ارتقای سطح درآمد و زندگی روستاییان و کمک به توسعه کشاورزی و روستایی اشاره کرد.

برای تأسیس این شرکت‌ها طبق قانون، دهقانان و زارعانی که از طریق اصلاحات ارضی مالک زمین شده بودند موظف شدند که حق استفاده مطلق و دائمی از اراضی خود را به شرکت واگذار کنند و براین اساس تا سال ۱۳۵۷ در مجموع ۹۳ شرکت سهامی زراعی در ۸۵۱ روستا با مساحتی بالغ بر ۴۰۰ هزار هکتار، در اراضی متعلق به بیش از ۳۵ هزار زارع صاحب نسق شده تشکیل شد (زاهدی، ۱۳۹۲: ۸۹).

به دلایل متعدد، زارعان رضایت چندانی از عضویت در شرکت‌های سهامی زراعی نداشتند و در موارد بسیاری، عضویت آنان در این شرکت‌ها به‌صورت اجباری انجام شده بود. با شروع انقلاب اسلامی، بسیاری از دهقانان که از پایگاه اقتصادی و اجتماعی خود در شرکت‌ها ناراضی بودند، دست به مخالفت زدند و مسکن‌ها و دفاتر دولتی را تخریب و شروع به تفکیک و تصرف اراضی خود کردند. به این ترتیب با نارضایتی دهقانان، همراه با به‌هم‌ریختگی ناشی از انقلاب و فقدان مدیریت شرکت‌ها، ۸۸ شرکت منحل شدند (اصلاحی، ۱۳۹۸: ۱۹۶).

علی‌رغم گذشت بیش از نیم قرن از ایجاد اولین شرکت‌های سهامی زراعی در مناطق روستایی ایران، به‌نظر می‌رسد هنوز مسائل و تنگناهایی که موجب شکست و فروپاشی این نوع نظام مدرن بهره‌برداری جمعی در ایران شد، به‌صورت تمام و کمال روشن نشده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این مسئله است که چرا فعالیت‌های جمعی و مشارکتی جدید و سازمان‌یافته در جامعه روستایی ایران بعد از اصلاحات ارضی با شکست یا دست‌کم با بی‌رغبتی مواجه شد.

احیا و شکل‌گیری واحدهای تولیدی مشارکتی مانند شرکت‌های سهامی زراعی، فقط از طریق بازشناسی، مسئله‌یابی، شناخت تنگناها، محدودیت‌ها و نقاط مثبت واحدهای بهره‌برداری مشارکتی که در گذشته فعالیت داشته‌اند، امکان‌پذیر است. از آنجا که اقتصاد گیلان با محوریت کشاورزی شکل گرفته است، مطالعه حاضر می‌تواند در کاهش اتخاذ سیاست‌های غیرکارشناسی و توجه به کشاورزی، روستا و فرهنگ روستاییان کمک‌کار برنامه‌ریزان اقتصادی و اجتماعی باشد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات موردی و میدانی بخش روستایی و عشایری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۰، در بین پژوهش‌هایی که پیرامون شرکت‌های سهامی زراعی انجام گرفته است، قابل تأمل است. نکته قابل توجه این مطالعات این است که آمار و اطلاعات توصیفی ارزشمندی از این شرکت‌ها در همان سال‌های ابتدایی و اوج رونق آن‌ها ثبت کرده‌اند و در برخی از این مطالعات تحلیل و ارزیابی نیز انجام گرفته است. نتایج مطالعات صورت گرفته براساس قیاس آن با آرمان ایجاد این نوع نظام بهره‌برداری و همچنین کمیت و کیفیت زراعت در خارج از حوزه عمل شرکت‌ها، این نوع نظام بهره‌برداری مشارکتی را در ایران موفق نشان نمی‌دهد.

مطالعات کشاورز و همکاران (۱۳۵۰) در خصوص شرکت سهامی زراعی قصرشیرین، کیانی‌منش (۱۳۵۰) درباره شرکت سهامی زراعی گرمسار، بابایی‌همتی (۱۳۵۰) با عنوان شرکت سهامی زراعی سنندج و ارزشیابی از کیا (۱۳۵۰) از فعالیت‌های شرکت سهامی درگزین از این موارد هستند.

از مطالعات شاخص در این حوزه، دو مطالعه علی‌اکبر نیک‌خلق در خصوص شرکت سهامی زراعی سمسکنده ساری است که در اسفند ۱۳۴۸ و شهریور ۱۳۵۰ انجام شده است. مطالعه اول مربوط به ابتدای تشکیل شرکت است که در آن، ضمن ارائه اطلاعات توصیفی از محیط جغرافیایی، خصوصیت‌های عمومی شرکت و خصوصیت‌های اجتماعی روستاهای حوزه عمل شرکت، به طرز تلقی و نظر سهامداران نسبت به شرکت و همچنین شرح شرایط اقتصادی شرکت پرداخته شد. پژوهشگر در مطالعه دوم، به تغییرات اجتماعی و اقتصادی حاصل از فعالیت شرکت در منطقه پرداخت. در این بررسی، ضمن ارائه گزارشی تقریباً مفصل از فعالیت‌های اقتصادی، آموزشی و عمرانی شرکت، به ساختارهای اجتماعی جدید در حوزه عمل آن اشاره شد و اثرات شرکت در وضع زندگی و روابط گروه‌ها و قشرهای اجتماعی مطالعه شدند. همچنین نظرات سهامداران در خصوص شرکت، انگیزه‌ها و تمایلات آنان بررسی شد. این شرکت در استان مازندران مانند شرکت سهامی زراعی رودپیش در گیلان، تنها شرکت‌های تأسیس شده در این استان‌ها در سال ۱۳۴۷ بوده و به لحاظ موقعیت جغرافیایی، شرایط طبیعی و فعالیت‌های زراعی انجام شده دارای تشابهاتی هستند.

مطالعات کلی صورت گرفته در خصوص شرکت‌های سهامی زراعی نیز اغلب از اطلاعات مطالعات موردی پیشین و اسناد موجود بهره گرفته‌اند و خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول مطالعاتی که در سال‌های فعالیت این شرکت‌ها یا حداکثر چند سالی پس از انحلال آن‌ها انجام شده‌اند، غالباً این نوع نظام بهره‌برداری را برای جامعه روستایی ایران مفید ارزیابی نمی‌کنند. دسته دوم که مربوط به سال‌های اخیرند، با بررسی وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاها در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، به خصوص تقسیم‌شدن زمین‌های کشاورزی به دلیل قانون ارث، فروش و تغییر کاربری زمین‌ها و... رویکرد مثبت‌تری به نظام‌های بهره‌برداری بزرگ‌مقیاس دارند.

لمتون که از چهره‌های شناخته‌شده مطالعات روستایی در ایران است، در پی نوشت کتاب *اصلاحات ارضی در ایران*، تحلیل کوتاهی از شرایط تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی در سال ۱۳۴۷ ارائه داد و اذعان کرد طرح تشکیل شرکت‌ها در اذهان زارعان به امنیت مالکیت آن‌ها بر زمین، تردید به وجود آورده است و آن‌ها را از تلاش برای بهره‌برداری بهتر از زمین زراعی و توسعه فعالیت‌هایشان - که دو ویژگی در خور توجه سال‌های نخست اجرای اصلاحات ارضی بود - احتمالاً دلسرد می‌کند.

هوگلاند از معدود پژوهشگران غیرایرانی است که ضمن حضور میدانی در روستاهای ایران، به بررسی مسائل این جوامع پرداخته است. او در بخش دوم کتاب *زمین و انقلاب در ایران*، به معرفی شرکت‌های سهامی زراعی و روند شکل‌گیری آن‌ها اشاره کرد و در

تحلیل خود توضیح داد که علی‌رغم علاقه حکومت به موفقیت این شرکت‌ها و صرف هزینه‌های فراوان برای آن‌ها، تا پایان سقوط رژیم سلطنتی، شرکت‌های سهامی زراعی کار موفقیت‌آمیزی انجام ندادند. او در کتاب خود از شرکت سهامی روستایی رودپیش با یک ویژگی خاص یاد می‌کند: «معمولاً هر شرکت سهامی زراعی در مجموعه‌ای از ۸ تا ۱۰ روستا تشکیل می‌شد، ولی از میان ۹۴ شرکت سهامی زراعی که تا خرداد ۱۳۵۷ در نواحی مختلف کشور مشغول به کار بودند، دو شرکت جونقان نزدیک شهرکرد و رودپیش نزدیک فومن در گیلان، تنها از یک روستا تشکیل شده بودند» (هوجلاند، ۱۳۹۸: ۱۶۱).

مرتضوی تبریزی (۱۳۸۳) نیز به‌وجودآمدن شکاف درآمدی میان طبقات مختلف روستاییان حوزه عمل شرکت‌های سهامی زراعی و عدم درآمد کافی روستاییان به‌ویژه کشاورزان خرده‌پا و خوش‌نشین‌ها و همچنین استفاده از تجهیزات و ماشین‌آلات کشاورزی - که موجب کاهش نیاز به نیروی انسانی در امر زراعت می‌شود- را از دلایل عمده افزایش مهاجرت پس از تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی می‌داند.

حقوقی اصفهانی (۱۳۹۰) در کتاب *شرکت‌های سهامی زراعی؛ الگویی در نظام بهره‌برداری کشاورزی ایران*، به بررسی مسائل مربوط به این شرکت‌ها، شرح فعالیت آن و اهمیت بازگشت به این نوع از نظام بهره‌برداری پرداخت. بررسی اصلاحات ارضی به‌عنوان زمینه تاریخی تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی و سپس قانون، اساسنامه و مبانی تشکیل این شرکت‌ها، بخش ابتدایی کتاب را تشکیل می‌دهد. در ادامه آمار و اطلاعات مبسوطی از این شرکت‌ها ارائه شده است که اطلاعات مربوط به شرکت سهامی زراعی رودپیش نیز در آن دیده می‌شود. بررسی آثار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این شرکت‌ها بر روستاهای حوزه عمل و ارائه دیدگاه‌ها و نظرات مختلف نسبت به شرکت‌های سهامی زراعی از دیگر مباحث مطرح شده است. نویسنده در پایان و پس از بررسی چند شرکت که پس از انقلاب اسلامی در ایران منحل نشدند و به فعالیت ادامه دادند، به اقداماتی می‌پردازد که اخیراً درخصوص تشکیل این قبیل شرکت‌ها در ایران انجام شده و نظر مثبت خود را درباره این نوع نظام بهره‌برداری ابراز می‌دارد.

وثوقی (۱۳۹۱) نیز مشکلات عمده این شرکت‌ها را که از بدو تأسیس تا برچیده‌شدنشان گریبان‌گیر آن‌ها بوده است مطالعه کرد. او با استفاده از نتایج گزارش از کیا با واحدهای بزرگ تولید، این مشکلات را بررسی کرد: مشکلات مالی، مدیریت، مشکل تهیه کادر متخصص، پراکندگی دهات و توزیع نامتناسب جمعیت، و عدم برابری سهام.

فال سلیمان و حجبی پور (۱۳۹۱) در مقاله «اثرات اجتماعی و اقتصادی شرکت‌های سهامی زراعی، نمونه: شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد در شهرستان نهبندان» به مطالعه شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد - که بعد از انقلاب تأسیس شده است - پرداختند. براساس یافته‌های آنان، علی‌رغم تبعات مثبت شرکت سهامی زراعی در بعد فنی تولید، پیامدهای مطلوب اقتصادی و اجتماعی آن برای خانوارهای سهام‌دار چندان قابل توجه نیست.

در فصل هفتم کتاب *اصلاحات ارضی و گام‌های صدور اسناد مالکیت زمین و ساختمان در ایران*، اصلاحی (۱۳۹۸) شرکت‌های سهامی زراعی و مبانی نظری تشکیل آن را معرفی کرد و آن را پدیده‌ای جدید و نشئت‌گرفته از کشورهای توسعه‌یافته صنعتی (اروپا، آمریکا و ژاپن) دانست. او در پایان این فصل از کتاب، ضمن بررسی ضعف‌ها و قوت‌های تجربه شرکت‌های سهامی زراعی در ایران پیشنهاد کرد که دولت با حمایت‌های خود زمینه تشکیل مجدد این شرکت‌ها را با استفاده از قشر جوان و تحصیل‌کرده‌های رشته‌های کشاورزی فراهم آورد.

آنچه در این میان مشهود است این است که روستاهای حوزه عمل شرکت‌های سهامی زراعی - که در گذشته منحل شده‌اند و هنوز سهام‌داران و دست‌اندرکاران آن در قید حیات هستند - مورد مطالعه جدیدی قرار نگرفته‌اند تا در پس تجربه نظام‌های بهره‌برداری بعد

از انحلال شرکت، بتوان به قضاوت بهتری درخصوص دلایل جامعه‌شناختی عدم توفیق این شرکت‌ها و چشم‌انداز آینده توسعه پایدار محلی پرداخت؛ به‌ویژه اینکه درمورد این نوع نظام بهره‌برداری در استان گیلان، پژوهشی اساسی صورت نگرفته است.^۱

۳. تأملات مفهومی و نظری

روش‌های کیفی را می‌توان به‌طور عمدی بدون داشتن نظریه‌ای در ذهن و فقط با داشتن مفاهیم حساس‌ساز به‌عنوان راهنما استفاده کرد (بلیکی، ۱۳۸۹: ۳۱۴). در همین راستا در این بخش، اشاره‌ای به برخی رویکردهای نظری مرتبط خواهیم داشت. آرای توسعه‌ای ارائه‌شده در قرن بیستم را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد. برنامه‌های منجر به اصلاحات ارضی در ایران و پس از آن تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی، متأثر از نظریات کالین کلارک^۲ و پل روزنشتاین-رودان^۳ از نظریه‌پردازان دوره اول و آرتور لوئیس^۴ و والت ویتمن روستو^۵ از نظریه‌پردازان دوره دوم بود. کالین کلارک که افزایش جمعیت را از عوامل توسعه می‌داند معتقد است با گذشت زمان و پیشرفت اقتصادی بیشتر جوامع، ابتدا شاغلان بخش کشاورزی به نسبت تعداد افراد فعال در بخش صنعت و سپس تعداد افراد شاغل در صنایع به نسبت افراد شاغل در خدمات کاهش می‌یابد. به نظر او نیازهای سرمایه‌ای برای هر واحد از تولیدات کشاورزی، آن‌طور که معمولاً در آن زمان عمل می‌شد، واقعاً بیشتر از نیازهای صنایع بود. ولی این وضع که اساساً نتیجه خردکردن مزارع کشاورزی به واحدهای دارای مطلوبیت کمتر بود، موجبات نیاز بی‌مورد هر واحد بهره‌برداری به ساختمان، وسایل و احشام را فراهم آورد (زاهدی، ۱۳۹۲: ۸۸). براساس این نظر کلارک بود که بسیاری از کشورهای درحال توسعه و از جمله ایران به فاصله کمی پس از اصلاحات ارضی (اغلب در دهه ۱۹۶۰) به ادغام واحدهای خرد و تشکیل واحدهای بزرگ‌مقیاس سرمایه‌داری ارضی مبادرت کردند (خرمشاد و موسی‌نژاد، ۱۳۹۶).

اولین و معروف‌ترین مدل توسعه که حداقل به‌طور تلویحی جریان انتقال نیروی کار را از روستا به شهر مورد توجه قرار داده است توسط آرتور لوئیس ابداع شد و سپس به‌وسیله جان فی^۶ و گوستاو رانیس^۷ تعدیل، تدوین و بسط داده شد. مدل دویبخشی لوئیس (بخش معیشتی روستایی با بازده پایین و بخش صنعتی شهری با بازده بالا) در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ نظریه عمومی پذیرفته‌شده فرایند توسعه در کشورهای جهان سوم بود که نیروی کار اضافی داشتند (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۶۲). به این جهت لوئیس را از طرفداران جدی برنامه اصلاحات ارضی در جهان سوم و از مدافعان طرح‌های نوین برای افزایش بهره‌وری در بخش کشاورزی می‌دانند. او به بهره‌برداری‌های کوچک کشاورزی علاقه نشان نمی‌دهد، بلکه توسعه کشاورزی را در چارچوب فناوری نوین و در مقیاس بزرگ میسر می‌داند. نکته مهمی که درمورد لوئیس مطرح می‌شود این است که جانبداری او از اصلاحات ارضی و نوسازی بخش کشاورزی، بیشتر و اساساً ناشی از تمایل او به آزادشدن نیروی کار دهقانی از روستاها به‌منظور فراهم‌شدن شرایط توسعه صنعتی

۱. دکتر ناصر عظیمی در مقاله‌ای با عنوان «شرکت‌های سهامی زراعی رودپیش و فومن؛ تجربه‌ای دشوار» در روزنامه گیلان امروز مورخ ۸ اسفند ۱۴۰۱ می‌نویسد: «دو نمونه از این شرکت‌ها در گیلان تأسیس شد و تجربه‌ای بسیار جالب و درعین‌حال دشوار و قابل‌بررسی بر جای گذاشت که تاکنون مورد بی‌توجهی پژوهشگران گیلانی بوده و تا جایی که نویسنده اطلاع دارد هیچ پژوهشی از این تجربه تولید کشاورزی در گیلان به دست داده نشده است».

2. Colin Clark

3. Paul Rosenstein-Rodan

4. Arthur Lewis

5. Walt Whitman Rostow

6. John fei

7. Gustav Ranis

در شهرها است که این دیدگاه او با فرایند اصلاحات ارضی در ایران و پس از آن ایجاد واحدهای بهره‌برداری نوین موسوم به «شرکت‌های سهامی زراعی» سازگاری دارد.

موضوع مشارکت مردمی در برنامه‌های توسعه، هم‌زمان با عصر برنامه‌ریزی توسعه، یعنی سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، مشغولیت ذهنی و عملی بسیاری از دولتمردان ملل در حال توسعه شده است. به بیان مایکل تودارو «یکی از استدلال‌ها و دلایل اصولی کشورها برای برنامه‌ریزی توسعه، جلب مشارکت مردم و کمک‌های ذهنی و عملی مردم در راستای رفع جهل، فقر و... بوده است». اهمیت بحث مردم و مشارکت آن‌ها در توسعه به حدی رسیده است که تصور توسعه بدون مبنای فرهنگی مردمی، تقریباً برای همگان محال شده است (عنبری، ۱۳۹۵: ۲۸۳).

مشارکت یکی از ارکان اساسی در توسعه پایدار محسوب می‌شود. اما در مکانیسم عملی و متعارف توسعه، تاکنون کمتر به مشارکت به‌عنوان راهکار عملی و مؤثر توسعه پرداخته شده است. از این جهت توسعه پایدار بدون مشارکت محلی و مردمی امکان‌پذیر نمی‌شود. امروز کمتر پروژه توسعه‌ای را می‌توان یافت که جنبه‌های پایداری را در نظر نگرفته باشد و کمتر دستورالعمل پایداری را می‌توان یافت که در آن به مشارکت به‌عنوان کلید پایداری به‌خصوص با نگاه به محیط‌زیست، فقرزدایی، جنسیت و توسعه، کشاورزی پایدار و... پرداخته نشده باشد (ازکیا و ایمانی، ۱۳۹۴: ۲۰۳).

مفاهیمی چون همکاری، همیاری، تعاون، فردگرایی و... در ادبیات مربوط به مبحث مشارکت در توسعه روستایی ایران فراوان به‌کار رفته است. برخی از محققان (مانند لمتون و بنت) بر این باورند که دهقانان مانند مالکان و دیگر طبقات اجتماعی ایران، فاقد تجربه و فن همکاری هستند و برخی دیگر از پژوهشگران (مانند خسری، کاتوزیان، وثوقی و فرهادی) ضمن رد کردن چنین دیدگاهی بر این باورند که شرایط اکولوژیکی و محیطی سبب شده حس همکاری و تعاون در بین آن‌ها در گذشته وجود داشته باشد.

در این میان گروهی از محققان (مانند صفی‌نژاد و ازکیا)، فردگرایی و درون‌گرایی در جامعه روستایی ایران را رد می‌کنند و درعین حال جمع‌گرا و مشارکتی‌بودن روستاییان را هم به‌طور مطلق تأیید نمی‌کنند. آنان معتقدند روستاییان در سطح و عرصه خاصی از نظام اجتماعی «مشارکتی» هستند. براین اساس در جامعه روستایی ایران تا سطحی از مشارکت، به سازمان‌دهی احتیاج خاصی ندارد؛ مثلاً تا سطح خانواده و قبیله مشارکت جریان پیدا می‌کند، ولی هرگز به سطوح فراتر از خانواده و قبیله ارتقا نمی‌یابد یا تعاون و همکاری گروهی را الزامی به‌واسطه شرایط سخت طبیعی می‌دانند؛ به‌طور مثال ازکیا (۱۳۸۲) بر این باور است که این دیدگاه با توجه به شرایط جامعه روستایی ایران، از قوت بیشتری برخوردار است و می‌گوید کسانی که به این دیدگاه اعتقاد دارند، به نظریه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن نظیر اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی اشاره می‌کنند و معتقدند سرمایه اجتماعی منبعی برای کنش افراد است؛ به این معنی، گروهی از افراد که واقعاً به یکدیگر اعتماد دارند، در مقایسه با گروهی که فاقد چنین اعتمادی در بین خود هستند، از توان بیشتری برای همکاری با یکدیگر برخوردارند. همچنین در جایی که ذخیره انباشتی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه تعهد مدنی وجود داشته باشد، همکاری و تعاون داوطلبانه به‌آسانی صورت می‌گیرد. مفاهیم مذکور بسترهای لازم را برای حصول یک چارچوب مفهومی در فرایند پژوهش فراهم می‌آورد.

۰۴. روش‌شناسی

این تحقیق با تأکید بر راهبرد مطالعه موردی صورت گرفته است. برای تحلیل اطلاعات از تکنیک تحلیل مضمون^۱ استفاده شد. مضمون، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (براون و کلارک^۲، ۲۰۰۶). بویاتزیس^۳ معتقد است در واقع مضمون الگویی است که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازمان‌دهی مشاهدات و حداقل به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد (بویاتزیس، ۱۹۹۸).

داده‌های این تحقیق با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده‌اند. به این صورت که کلیه مصاحبه‌ها ابتدا به متن تبدیل شدند، سپس با توجه به محتوای مصاحبه‌ها دسته‌بندی شدند و پس از آن مهم‌ترین و تکراری‌ترین مضامین آن‌ها تفکیک شد تا تحلیل شود. برای سنجش اعتبار، علاوه بر اینکه مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه، با مطالعه مبانی نظری، پیشینه تحقیق، اهداف تحقیق و منابع، انتخاب و تأیید شدند، نظرات و رهنمودهای گروهی از خبرگان نیز لحاظ شد و قبل از کدگذاری، جرح و تعدیل نهایی صورت گرفت. برای ارزیابی اعتبار داده‌هایی که حاصل از مصاحبه بودند، از تکنیک ارزیابی اعتبار به روش ارتباطی استفاده شد؛ به این طریق که کنشگران یا مصاحبه‌شوندگان، یک بار دیگر وارد تحقیق شدند و در دومین دیدار موافقت مصاحبه‌شوندگان با متن اظهاراتشان اخذ شد. جامعه آماری این پژوهش، بازماندگان شرکت سهامی زراعی رودپیش شهرستان فومن در استان گیلان شامل سهامداران، کارکنان و دست‌اندرکاران و همچنین خوش‌نشینان حوزه عمل شرکت هستند. نمونه‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند به شیوه گلوله‌برفی انتخاب شدند. پاسخ‌ها در ۱۵ مورد به اشباع نظری رسید و از پاسخ‌های دیگر، یافته جدیدی حاصل نشد.

جدول ۱. مشخصات فردی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	ارتباط فرد با شرکت
۱	مرد	۶۶	دیپلم	فرهنگی بازنشسته	فرزند سهامدار
۲	مرد	۷۵	کارشناسی	فرهنگی بازنشسته	فرزند سهامدار و عضو هیئت تصفیه
۳	مرد	۷۹	بی‌سواد	کشاورز	نگهبان شرکت
۴	مرد	۷۶	دیپلم	فرهنگی بازنشسته	فرزند سهامدار
۵	مرد	۶۶	کارشناسی	فرهنگی بازنشسته	فرزند یکی از خوش‌نشینان روستا
۶	مرد	۶۸	ابتدایی	مکانیک ماشین‌های کشاورزی	کارگر بخش ماشین‌آلات
۷	مرد	۷۷	ابتدایی	مکانیک ماشین‌های کشاورزی	مسئول بخش ماشین‌آلات
۸	مرد	۷۸	سیکل	بازنشسته مرکز بهداشت	فرزند سهامدار و عضو هیئت تصفیه
۹	مرد	۸۵	بی‌سواد	کشاورز	سهامدار و انباردار
۱۰	مرد	۷۳	ابتدایی	کارگر بازنشسته	سهامدار و کارگر بخش فنی
۱۱	مرد	۷۳	ابتدایی	کارگر بازنشسته	فرزند سهامدار
۱۲	مرد	۶۵	ابتدایی	مکانیک ماشین‌های کشاورزی	کارگر بخش فنی و فرزند عضو هیئت‌مدیره
۱۳	زن	۹۰	بی‌سواد	خانه‌دار	همسر سهامدار و کارگر بخش کشاورزی
۱۴	زن	۹۳	بی‌سواد	خانه‌دار	فرزند عضو هیئت‌مدیره و فعال در خانه فرهنگ
۱۵	زن	۷۲	ابتدایی	خانه‌دار	فرزند عضو هیئت‌مدیره و مربی مهدکودک

1. Thematic analysis
2. Braun & Clarke
3. Boyatzis

روستای رودپیش، در پنج کیلومتری شمال شرقی شهر فومن در استان گیلان قرار دارد. حوزه عمل شرکت سهامی زراعی رودپیش شامل قریه رودپیش و مزارع گلخندان، تاج‌نان و شیشه‌کل بود که منطقه‌ای جلگه‌ای و فاقد ارتفاعات است. پانزدهمین شرکت زراعی کشور، در منطقه رودپیش در سال ۱۳۴۷ تشکیل شد. جمعیت ساکن در حوزه عمل شرکت در زمان تأسیس اعم از خانوارهای کشاورز، خوش‌نشین و صاحبان سایر مشاغل ۱۳۹۵ نفر بود. از جمعیت مذکور بیش از ۶۴۰ نفر در گروه ۱۵ تا ۶۰ ساله قرار داشتند که جمعیت فعال حوزه عمل شرکت سهامی زراعی را تشکیل می‌دادند. کل مساحت منطقه مذکور حدود ۶۷۰ هکتار است که پیش از تشکیل شرکت، ۴۰۶ هکتار آن به کشت آبی (شالی) اختصاص داشت، ۲۲۰ هکتار آن از اراضی بایر به‌شمار می‌رفت و ۴۴ هکتار نیز به‌عنوان باغات و خانه‌های روستاییان مورد استفاده قرار می‌گرفت. گزارشی از سازمان بیمه‌های اجتماعی روستاییان در سال ۱۳۵۲، تعداد اعضای شرکت (بیمه‌شدگان) را ۱۶۳ نفر و افراد تحت تکفل آنان را ۷۵۸ نفر اعلام کرده است. براساس همین گزارش تعداد متوسط افراد خانوارها ۸ نفر و متوسط سن رؤسای این خانوارها ۴۶ سال بوده که ۲۱/۴ درصد آن‌ها باسواد و بقیه بی‌سواد بودند. پس از یک دهه فعالیت، شرایط روزهای ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی فرصتی را فراهم آورد تا سهامداران شرکت سهامی زراعی رودپیش - که ناراضی‌هایی از فعالیت شرکت داشتند - درخواست انحلال آن را مطرح کنند که با منحل شدن شرکت، دارایی‌ها، املاک و اموال آن با هدایت هیئت تصفیه سامان‌دهی شد.

۵. یافته‌ها

براساس متن مصاحبه‌های حاصل از مطالعه میدانی نگارندگان این پژوهش، از منظر بازماندگان شرکت سهامی زراعی رودپیش مسائل عدیده‌ای سبب فروپاشی و اضمحلال این شرکت شد. برای بررسی جزئیات مصاحبه‌ها، آن‌ها را به مسائل قبل از شروع فعالیت شرکت و مسائل بعد از احداث آن تقسیم کردیم، تا به توصیفی غنی از مهم‌ترین مضامین و مصادیق این مسائل برای تحلیل بهتر دست یابیم.

۵-۱. مسائل قبل از احداث شرکت

ریشه برخی از دلایل و عوامل شکست شرکت‌های سهامی زراعی به‌عنوان یک واحد جدید بهره‌برداری زراعی، به مسائل و مشکلات قبل از تأسیس آن‌ها در مناطق روستایی برمی‌گردد؛ بنابراین سؤالاتی برای اطلاع‌رسانان مطرح کردیم که در خلال پاسخ به آن‌ها روشن شود چه مسائل و مشکلاتی قبل از احداث شرکت وجود داشته که در عدم موفقیت و فروپاشی آن دخیل بوده است. پس از جمع‌آوری مصاحبه‌ها و مکتوب کردن آن، سه دسته از مسائل را در قالب مسائل اجتماعی-فرهنگی، مسائل اقتصادی-معیشتی و مسائل حقوقی-قانونی شناسایی کردیم. برای بهتر نشان دادن مسائل، مضامین و مصادیق، ابتدا آن‌ها را در یک جدول می‌آوریم. سپس به تشریح مضامین و نقل قول‌های اطلاع‌رسانان خواهیم پرداخت (جدول ۲).

جدول ۲. مسائل کلان، مضامین عمده و برخی از مصادیق قبل از احداث شرکت

مسائل کلان	مضامین عمده	برخی مصادیق
اجتماعی-فرهنگی	ناآگاهی	- بی‌اطلاعی از اهداف و برنامه‌های شرکت - بی‌اطلاعی از موقعیت اجتماعی پس از عضویت شرکت
	مشارکت غیرداوطلبانه (اجباری)	- استفاده از زور و تهدید برای عضویت زارعان - فقر شدید برخی روستاییان
اقتصادی-معیشتی	سود و منفعت نامعلوم	- میزان دستمزد - میزان سود سهام - میزان سال‌هایی که زمین باید در اختیار شرکت باشد
حقوقی-قانونی	مالکیت	- ترس از دست‌دادن زمین - ترس از خارج شدن زمین از مالکیت آن‌ها و بازگشت به دوران ارباب-رعیتی

۵-۱-۱. مسائل اجتماعی-فرهنگی

مسائل اجتماعی-فرهنگی در زمان پیش از آغاز فعالیت شرکت‌های سهامی زراعی به‌عنوان مهم‌ترین عامل اضمحلال و نابودی این شرکت‌ها در بین سایر عوامل با توجه به اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها مطرح است. احداث این شرکت‌ها بدون توجه به ساختار اجتماعی-فرهنگی جامعه ایران و بی‌بهره از پیشینه و تجربه هزاران ساله کشاورزان و جامعه محلی به‌عنوان یکی از راهکارهای پرکردن خلأ ناشی از نبود مالک در روستا و به‌عنوان یک شیوه مدرن برای همکاری و تعاون روستاییان در امر تولید و کشاورزی، صورت پذیرفت. دو مضمون عمده که در مصاحبه‌ها به‌عنوان مسائل اجتماعی-فرهنگی استخراج شد، ناآگاهی و مشارکت اجباری روستاییان صاحب زمین بود که در ادامه به ابعاد این دو مضمون خواهیم پرداخت.

ناآگاهی: روستاییان صاحب زمین به‌عنوان سهامداران آینده شرکت سهامی زراعی با ناآگاهی از برنامه‌ها و اهداف شرکت و همچنین بی‌اطلاع از اینکه بعد از واگذاری زمین به شرکت، چه تغییری در موقعیت اجتماعی و اقتصادی آن‌ها پیش می‌آید، همکاری با شرکت سهامی زراعی را آغاز کردند. یکی از مطلعان که پدرش از سهامداران شرکت سهامی زراعی رودپیش بود، در این مورد گفت: «گروهی از تهران آمدند و نویدهایی به مردم دادند که ما به شما کمک می‌کنیم، وام می‌دهیم، زمین می‌دهیم و امکانات می‌آوریم. ما که اطلاعات و آگاهی چندانی نداشتیم، دهبان و کدخد را خواستند، بزرگ‌ترها را خواستند. بزرگ‌ترها که جلو رفتند، دیگر کاری با ما نداشتند و حرف ما هم به جایی نمی‌رسید.»

مشارکت غیرداوطلبانه (اجباری): یکی دیگر از معضلات اجتماعی-فرهنگی شرکت‌های سهامی زراعی قبل از تأسیس، عدم مشارکت داوطلبانه روستاییان صاحب زمین در این نوع از نظام بهره‌برداری جمعی است. علی‌رغم اینکه حضور در این شرکت‌ها اسماً داوطلبانه بود، شرایط به‌گونه‌ای برای خرده‌مالکان روستا رقم خورد که ناگزیر به عضویت در این شرکت‌ها شدند.

برخی از افراد ادعان داشتند که با زور و تهدید و با استفاده از نیروهای امنیتی آن‌ها را مجبور به پذیرش و عضویت در شرکت کردند. یکی از مردانی که پدرش از سهامداران شرکت بود در این مورد چنین گفت: «گروهی از مردم راضی نبودند، بازداشت‌هایی صورت گرفت. با ژاندارم آمدند و عده‌ای از مردم -خصوصاً بزرگ‌ترهای محل- را گرفتند. پدر من و خیلی‌های دیگر مقاومت و سرسختی کردند که آن‌ها را به زندان بردند و خیلی اذیت کردند. پدرم تهران هم رفت اما گفتند هیچ کاری نمی‌توانید بکنید، حکم شاه است و باید شرکت تأسیس شود.»

یکی دیگر از دلایل عضویت روستاییان در شرکت، فقر مردم و بدهکاری آن‌ها بود. یکی از کشاورزان اظهار کرد: «آن‌هایی که بدهکاری داشتند و به آن‌ها گفته بودند به شما وام می‌دهیم و بدهی شما را پرداخت می‌کنیم، قبول کردند و سرانجام شرکت تأسیس شد.»

۵-۱-۲. مسائل اقتصادی - معیشتی

زمین زراعی مهم‌ترین دارایی و سرمایه کشاورزان روستایی است. شرکت سهامی زراعی که متولی جدید یک بهره‌بردار جمعی در روستا می‌شود، باید به‌گونه‌ای زمین‌های زراعی روستاییان را مدیریت کند که حداقل بهره‌وری آن کمتر از آن چیزی نباشد که روستاییان می‌توانستند به‌صورت مستقل به‌دست آورند؛ بنابراین شرکت سهامی زراعی با مسئله اقتصادی-معیشتی سهامداران خود دست‌به‌گریبان بود؛ به‌نحوی که می‌بایست حداقل خواسته اقتصادی آن‌ها را با توجه به میزان و مقدار زمین تأمین کند.

از طرفی روستاییان صاحب زمین تمام امیدشان به سود و منفعت حاصل از زمینی بود که در مالکیت خود داشتند و درآمد آن‌ها وابسته به عایدات آن بود. برخی روستاییان رودپیش معتقد بودند با توجه به احداث کانال آب‌بر فومن که آب سد سفیدرود را به مزارع آن‌ها رساند، بدون حضور شرکت هم وضع آنان خوب می‌شد. روستاییان این ابهام را در ذهن داشتند که شرکت چه مقدار سود و منفعت به آن‌ها می‌رساند. یکی از مصاحبه‌شوندگان - که پدرش عضو هیئت‌مدیره شرکت بود- در این زمینه توضیح داد: «مشکل اساسی ما و دلیل فقر مردم خشکسالی بود؛ چون آب مزارع ما از ذخیره آب باران در استخرها و بارش در طول فصل کشت بود و اگر سالی کم‌باران بود، ما محصولی نداشتیم. اما همان سال که شرکت تأسیس شد، دیگر آب سد سفیدرود به رودپیش رسیده بود و شرایط ما حتماً بهتر می‌شد.» و فردی دیگر گفت: «بعد از اصلاحات ارضی که کانال آب هم آمد وضع ما خیلی خوب می‌شد، اما شرکت آمد و کاسه کوزه ما را به هم زد.»

۵-۱-۳. مسائل حقوقی - قانونی

اساسنامه‌ای که برای تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی تدوین شده بود، به‌صورت شفاف و گسترده برای روستاییان و کسانی که قرار بود به‌عنوان سهامدار عضو این شرکت شوند، تشریح و تبیین نشد. در این میان، ابهام در مسائل قانونی و حقوقی بیشتر از همه به چشم می‌خورد. بخشی از آن به‌دلیل بی‌سوادی روستاییان و بخشی دیگر هم به کوتاهی و قصور دولت در اطلاع‌رسانی به روستاها و خرده‌مالکان بود. از این‌رو، این برنامه، رویکردی دستوری از سوی دولت برای توسعه کشاورزی و افزایش بهره‌وری زمین‌های زراعی به‌نظر می‌رسید.

یکی از ابهاماتی که برای اغلب خرده‌مالکان روستاها وجود داشت، بحث مالکیت بود. آن‌ها با این مسئله روبه‌رو بودند که بعد از عضویت در شرکت، چه تغییری در نحوه مالکیت آن‌ها بر زمین زراعی پیش می‌آید.

حیاتی‌ترین مسئله برای روستاییان صاحب زمین - که اغلب آن‌ها نسل‌اندنسل در حضور مالک فقط رعیت حساب می‌شدند- بعد از برنامه اصلاحات ارضی، حفظ مالکیت زمین بود. آن‌ها مالک و صاحب اصلی زمینی به‌حساب می‌آمدند که طی سالیان دراز بر روی آن کشت و زرع کرده بودند؛ بنابراین طبیعی بود که حفظ مالکیت زمین برای آن‌ها حیاتی باشد و همیشه با این هراس مواجه بودند که روزی کسانی زمین‌ها را از آن‌ها پس بگیرند. به این ترتیب همیشه با بی‌اعتمادی به برنامه‌ها و سیاست‌های جدید زراعی به‌ویژه تشکیل شرکت‌های سهامی زراعی می‌نگریستند.

یکی از پاسخگویان در این زمینه گفت: «مردم اختیاری در مورد زمین نداشتند، صاحب زمین خودشان نبودند، اختیار محصول خود را هم نداشتند. مردم زحمت می‌کشیدند و بعد محصول را در اختیار آن‌ها (شرکت) قرار می‌دادند و بعد منت آن‌ها را باید می‌کشیدند.» یکی دیگر از روستاییان عضو شرکت سهامی زراعی رودپیش توضیح داد: «من هم داشتیم زحمت می‌کشیدم. چه فرقی با کشاورز میرمحله (روستای مجاور که خارج از محدوده شرکت بود) داشتیم؟ در آنجا کشاورز برای خودش کشت می‌کرد و من اختیار زمین و محصولم را نداشتیم.»

بنا بر اطلاعات دیگر مصاحبه‌ها، قاعده و قانون و اساسنامه تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی به صورت کامل و جامع برای روستاییان تشریح و تعریف نشده بود. آن‌ها به انحای مختلف از اقدامات غیرقانونی مدیرعامل یا اعضای هیئت‌مدیره در برخورد با سهامداران و برخی نارضایتی‌ها صحبت می‌کردند، اما راهی برای احقاق حق نداشتند.

۵-۲. مسائل بعد از تأسیس شرکت

با توجه به محتوای مصاحبه‌ها و روایات بازماندگان این شرکت، مسائل، تنگناها و محدودیت‌های بعد از تأسیس شرکت سهامی رودپیش را به مسائل اجتماعی-فرهنگی، فنی، حقوقی و سازمانی دسته‌بندی کردیم. ابتدا مسائل، مضامین و مصادیق مهم را که در متن مصاحبه‌ها آمده‌اند، در جدول نشان خواهیم داد. سپس به تشریح و تحلیل هریک از مضامین خواهیم پرداخت^۱ (جدول ۳).

جدول ۳. مسائل کلان، مضامین عمده و برخی از مصادیق بعد از تأسیس شرکت

مسائل کلان	مضامین عمده	برخی مصادیق
اجتماعی-فرهنگی	عدم پذیرش اجتماعی	- عدم تعلق خاطر به شرکت - مشارکت اجباری در فعالیت‌ها
	انعطاف‌ناپذیری و عدم تعامل مدیران با مردم	- روابط یک‌سویه و دستوری نیروهای ستادی
	احساس بی‌قدرتی سهامداران	- عدم نظرخواهی و استفاده از نظرات سهامداران - سلب حق فروش و کشت محصول
فنی	عدم موفقیت در تثبیت روش‌های نوین	- آزمایش ناموفق شیوه‌های نوین زراعی - برگشت به شیوه‌های سنتی کشت
	تغییر چندباره قرارداد شرکت با زارعان	- آزمون سه نوع شیوه قرارداد با زارعان و صاحبان سهام
حقوقی	احساس سلب مالکیت	- واگذاری مالکیت زمین‌ها به شرکت - ترس از دست‌دادن مالکیت قطعی زمین
	نبود نظام جزا و پاداش کارآمد	- اهمال و سوءاستفاده برخی اعضا در فصل برداشت - عدم تشویق زارعان فعال
سازمانی	مدیریت و دست‌اندرکاران غیرمتخصص	- استفاده از افراد سیاسی در رأس شرکت - استفاده از افراد غیرمتخصص - به‌کارگیری افراد از روی روابط
	نبود تشکیلات اداری کارآمد، مورد اعتماد و مردمی	- نام‌الاختیاربودن مدیرعامل - صوری بودن نقش مردم

۱. شایان توضیح است به دلیل محدودیت مقاله، ذکر تمامی نقل‌قول‌ها امکان‌پذیر نیست، اما با ادغام نقل‌قول‌ها و فشرده کردن آن‌ها با حفظ محتوا، سعی شده است که داده‌های اطلاع‌رسان‌ها بدون کاستی تجزیه و تحلیل شود.

۵-۲-۱. مسائل اجتماعی-فرهنگی

شرکت سهامی زراعی رودپیش، بخش عظیمی از زمین‌های زراعی روستاییان را در اختیار داشت و جمعیت زیادی از روستاییان درگیر فعالیت در این شرکت بودند. این وضعیت سبب شد تأمین بخش مهمی از نیازها و خواسته‌های عمومی روستاییان برعهده شرکت قرار گیرد و مردم نیز انتظاراتی از شرکت و دست‌اندرکاران آن داشته باشند. از این‌رو مسائل اجتماعی-فرهنگی پس از تشکیل شرکت، مهم‌ترین بخش را در ارزشیابی اقدامات آن به خود اختصاص داده است.

عدم پذیرش اجتماعی: یکی از مهم‌ترین شروط در پیشرفت یا موفقیت یک طرح یا برنامه اجرایی در یک جامعه، پذیرش اجتماعی آن است. شرکت‌های سهامی زراعی بدون توجه به نیازها، خواسته‌های مالکان زمین و روستاییان احداث شدند. شرکت در طول یک دهه فعالیت نتوانست اعتماد بخش زیادی از سهامداران را جلب کند و در آن‌ها احساس تعلق و به تبع آن مشارکت همدلانه در امور شرکت به‌وجود آورد. آن‌ها محصول تولیدشده در شرکت را یک دست‌آورد مشارکتی نمی‌پنداشتند و در بهترین حالت، تجمیع دسترنج شخصی تک‌تک زارعان می‌دانستند.

برای نمونه به چند مورد از صحبت‌های اطلاع‌رسان‌ها اشاره می‌شود: «مردم می‌دیدند همه زحمت به دوش خودشان است، ولی شرکت نفع بیشتری می‌برد و یک سهام جزئی به مردم می‌دهد که کفاف هزینه زندگی را نمی‌دهد. به این دلیل همه ناراضی بودند. در روستاهای اطراف، مردم اختیار زمین‌های خودشان را داشتند، خودشان زراعت می‌کردند و راحت محصول خود را می‌فروختند، ولی اینجا بعد از برداشت محصول باید همه را تحویل شرکت می‌دادند و در خانه خودشان هم نمی‌توانستند انبار کنند.» «من زحمت بکشم و با سهامدار دیگر که خانه خودش نشسته و کار نمی‌کند مساوی باشم؟» «حق نداشتیم یک مقدار کم از ته‌مانده خراب شلتوک را برای مرغ‌های خودمان برداریم. جرئت نداشتیم این کار را بکنیم.»

انعطاف‌ناپذیری و عدم تعامل مدیران با مردم: مدیریت شرکت‌های سهامی زراعی براساس نظر و آرای عمومی روستاییان و کشاورزان انتخاب نمی‌شد، بلکه عملاً توسط دولت انتصاب می‌شد. از این‌رو، میزان پاسخگویی آن‌ها در مقابل سهامداران و روستاییان کم بود. براساس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مدیرعامل و مهندسان شرکت، کمترین تعامل را با مردم منطقه داشتند. کشاورزان و سهامداران به‌سختی موفق می‌شدند با مهندسان شرکت و مدیرعامل شرکت صحبت کنند. به‌ویژه در زمان مدیرعامل دوم شرکت، این موضوع عیان‌تر بود؛ زیرا مدیر شرکت جایگاه خود را از مردم و سهامداران بالاتر می‌دید و دارای کمترین انعطاف در مقابل خواسته‌های روستاییان و سهامداران بود.

یکی از مطلعان که پدرش از سهامداران شرکت بود در این مورد گفت: «مدیرعامل حالت دیکتاتوری داشت. طوری که مراجعه‌کننده باید دم در می‌ماند و نگهبان به مدیرعامل اطلاع می‌داد که یک کشاورز آمده است. اگر اجازه می‌داد، کشاورز داخل می‌شد. برایش مهم نبود که ما سهامدار این شرکت هستیم. هیئت‌مدیره، علی‌الخصوص مدیرعامل، اجازه اظهارنظر نمی‌دادند. اگر من می‌رفتم می‌گفتم چرا امکانات نمی‌دهید یا... تهدید به زندان و فرستادن به ساواک می‌کردند و داد ما هم به کسی نمی‌رسید.»

یکی دیگر از اطلاع‌رسان‌ها که از سهامداران شرکت بود، رابطه بین مردم و شرکت سهامی زراعی را به رابطه ارباب-رعیتی تشبیه کرد و توضیح داد: «مهندسان و دست‌اندرکاران شرکت، نوع دیگری از اربابان سابق و حتی در بعضی برخوردها بدتر از آن‌ها بودند. احساس می‌کردند آقابالاسری برای رعیت‌ها هستند. تنها فرقی که این‌ها با اربابان سابق داشتند، این بود که در زندگی شخصی ما دخالت نمی‌کردند.»

رضایت نسبی مردم از رفتارهای مدیرعامل اول شرکت و اظهارات منفی درباره مدیرعامل دوم نشان می‌دهد در این مسئله نیز سیر نزولی وجود داشته است.

احساس بی‌قدرتی سهامداران: سهام‌داران و روستاییانی که با شرکت‌های سهامی زراعی همکاری می‌کردند، عملاً در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی یا ساماندهی امور کشاورزی نقشی نداشتند. به بیان دیگر، سهامداران، تابع برنامه‌های شرکت بودند و به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم هیچ نقشی در مدیریت شرکت نداشتند. براساس اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، اگر قبل از تأسیس شرکت سهامی زراعی، کشاورزان این اختیار را داشتند که از زمین خود به نحو دلخواه بهره‌برداری کنند، بعد از تأسیس شرکت، دیگر اختیاری برای آن‌ها در این خصوص باقی نماند.

در این زمینه یکی از مطلعان که پدرش عضو شرکت بود گفت: «مردم عملاً نقش و تأثیری در برنامه‌ها نداشتند. خود مسئولان شرکت که انتصابی بودند، کارها را انجام می‌دادند. حتی هیئت‌مدیره هم جرئت نمی‌کرد به مدیرعامل حرفی بزند.» یکی از اطلاع‌رسان‌های دیگر این پژوهش نیز گفت:

«وقتی کشاورز از خودش اختیاری نداشته باشد، نداند چه زمانی کشاورزی کند، چه زمانی برداشت کند، چطور کشاورزی کند یا چه نوع محصولی کشت کند، چه فایده‌ای دارد؟»

۵-۲-۲. مسائل فنی

شرکت‌های سهامی زراعی نه تنها با مسائل اجتماعی-فرهنگی مواجه بودند، بلکه مشکلات فنی هم داشتند. براساس اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، شرکت اقداماتی در راستای آوردن فناوری به منطقه انجام داد، اما به دلیل عدم فرهنگ‌سازی مناسب برای جلب مشارکت و همیاری روستاییان در مکانیزه کردن کشاورزی، چندان موفق نبود و در مواردی پس از برخی تجربه‌های نو، مجدداً به روش‌های سنتی مردم منطقه بازگشت. شرکت همچنین مجبور شد به دلیل عدم موفقیت در همراه کردن مردم، اقدام به تغییر چندباره رویه قرارداد خود با زارعان کند.

عدم موفقیت در تثبیت روش‌های نوین: یکی از اهداف شرکت‌های سهامی زراعی، مکانیزه کردن و استفاده از روش‌های نوین در امر زراعت برای بالا بردن بهره‌وری بود. مسئولان شرکت سهامی زراعی رودپیش نیز در مواردی به این امر مبادرت ورزیدند، اما به نظر می‌رسد به دلیل عدم توفیق در جلب رضایت مردم و مقاومت آن‌ها در مقابل تجربه‌های نوین، عقب‌نشینی کردند و به موفقیت‌های خوبی در این زمینه دست نیافتند.

یکی از بانوان که کارگر کشاورزی شرکت بود بیان کرد: «مسیری را مشخص می‌کردند و می‌گفتند باید در همین راستا (کنار ریسمان) نشا شود که اگر آدم یک طرف شالیزار بایستد، تا انتهای زمین قابل دیدن باشد. موفق نشدند و به ما گفتند به شیوه خودتان کار کنید.» مسئول بخش ماشین‌آلات شرکت گفت: «شرکت در آن دوران ماشین‌نشاکاری آورد که با استفاده از آن نشا کنند، ولی دستگاه خوب نمی‌توانست نشا کند و خراب می‌شد که مردم گفتند این طوری نمی‌شود و ما این‌طور نمی‌توانیم زراعت کنیم و شرکت استفاده از ماشین‌نشاکاری را کنار گذاشت.»

تغییر چندباره قرارداد شرکت با زارعان: براساس اطلاعات به دست آمده، قرارداد و رابطه کاری شرکت با زارعان در طول حیات شرکت چندین بار دچار تغییر شد. ابتدا براساس میزان کار افراد به آن‌ها حقوق پرداخت می‌شد و کل محصول مزارع در اختیار شرکت قرار می‌گرفت. به دلیل بی‌انگیزگی کشاورزان برای تولید، برخی برداشت‌های خارج از ضوابط شرکت توسط کشاورزان و پایین آمدن

بهره‌وری، رویه قبلی کنار گذاشته شد و شرکت به شیوه سهام‌بری روی آورد. در این شیوه هر زارع موظف بود سالیانه میزان مشخصی محصول به ازای هر هکتار زمین به شرکت پرداخت کند و همین میزان نیز در سال پایانی فعالیت شرکت تغییر کرد. در این مورد سه نفر از مصاحبه‌شوندگان گفتند: «در شیوه اول، دزدی اتفاق می‌افتاد. محصول دور ریخته می‌شد و از بین می‌رفت. واقعیت امر این بود که برای مردم چندان مهم نبود. وقتی دیدند مردم محصول را از بین می‌برند، حیف و میل می‌کنند، دزدی می‌شود و مجبور بودند دائم نگرانی بگذارند، شیوه را به سهام‌بری تغییر دادند.» «شیوه اول ریخت و پاش داشت. مردم به کوچک‌ترین دلیل (مثلاً بارندگی) سر زمین نمی‌رفتند؛ چون می‌گفتند مال من نیست. خوب نشا نمی‌کردند، خوب نگهداری نمی‌کردند، اما بعد که سیستم شرکت به صورت اجاره‌ای شد، مجبور شدند درست کار کنند.» «در اواخر فعالیت شرکت، به علت مسائلی که پیش آمد و احساس کردند ضرر می‌کنند، شرکت سیاستش را تغییر داد و به جای گرفتن محصول و دادن حقوق به کشاورزان، حق کشت زمین را به زارع داد و از آن‌ها اجاره می‌گرفت.»

۵-۲-۳. مسائل حقوقی

براساس داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، یکی از دلایل اصلی فروپاشی شرکت سهامی زراعی رودپیش، تنگناها و مسائل حقوقی بود. به این معنا که شرکت برای انجام امور حقوقی زارعان و سهام‌داران متناسب با شأن و منزلت کشاورزان، تمهیدات لازم را از قبل طراحی و تعریف نکرده بود و همان برخوردی که قانون با متخلفان می‌کند (مجازات زندان و شلاق)، برای کشاورزان هم استفاده می‌شد. دو مضمون اصلی مسائل حقوقی منتج از مصاحبه‌ها، مسئله مالکیت و نداشتن یک نظام جزا و پاداش کارآمد است که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

احساس سلب مالکیت: یکی از مهم‌ترین مسائلی که از بدو تأسیس شرکت‌های سهامی زراعی، مؤسسان با آن روبه‌رو بوده‌اند، مقاومت ذهنی روستاییان در مقابل شرکت بر اثر لطمه خوردن به احساس مالکیت آن‌ها بوده است (باباهمتی، ۱۳۵۰: ۱۴۵). براساس اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، این احساس در اعضای شرکت وجود داشت که مالکیت زمین خود را از دست داده‌اند و با عضویت در شرکت، به نسبت زارعی که عضو شرکت نیستند و مستقل کار می‌کنند، نه تنها سود و محصول بیشتری عایدشان نمی‌شود، بلکه نسبت به آن‌ها محصول کمتری به دست می‌آورند. یکی از اعضای شرکت سهامی رودپیش توضیح داد: «من دارم زحمت می‌کشم، چه فرقی با کشاورز میرمحله (روستای مجاور که خارج از محدوده شرکت بود) دارم. آنجا کشاورز برای خودش کشت می‌کند. من چرا اختیار ملک خودم را ندارم؟ شرکت مگر چقدر هزینه می‌کند؟ اگر خودم به تنهایی روی زمین خودم کار می‌کردم، محصول بیشتری برداشت می‌کردم.»

نبود یک نظام جزا و پاداش کارآمد: روستاییان بعد از اصلاحات ارضی، مستقیماً با عوامل دولتی روبه‌رو شدند. آن‌ها بر این باور بودند که دولت هیچ وقت حق آن‌ها را ادا نکرده است. آن‌ها اموال، دارایی و محصول شرکت را حق خود می‌انگاشتند. از این‌رو بعضی از اعضا، دور از چشم مسئولان شرکت، به محصولات و اموال شرکت دستبرد می‌زدند. از سوی دیگر در تنبیه و تشویق و دریافت حقوق شرکت نیز بین اعضا تبعیض‌هایی وجود داشت. یکی از اطلاع‌رسان‌ها که عضو هیئت تصفیه هم بود گفت: «بخشی از محصول تحت نظر شرکت حیف و میل می‌شد. شرکت هم قاعده و قانونی برای محافظت از محصول خود تعیین نکرده بود. بخشی از محصول از طریق دستبرد روستاییان و رهگذران به هدر می‌رفت.»

همین مطلع در جای دیگر بیان کرد: «برخی از سهامداران در موقع برداشت محصول با وجود نگرانی‌هایی که وجود داشت، مقداری از محصول را به دور از چشم مسئولان شرکت برای خود برمی‌داشتند. بخش زیادی از محصول از این طریق به هدر می‌رفت.»

یکی دیگر از اعضا اظهار کرد: «بعضی از مردم گردن کلفتی می‌کردند و محصول را تحویل نمی‌دادند و بقیه سهامداران اجباراً تاوان آن‌ها را هم می‌دادند.»

۵-۲-۴. مسائل سازمانی

یکی دیگر از مسائلی که موجب فروپاشی و اضمحلال این شرکت شد، مشکلات سازمانی آن بود. براساس گفته‌های اطلاع‌رسان‌ها، شرکت با مسائلی از قبیل نداشتن مدیر متخصص در زمینه کشاورزی به‌لحاظ تجربی و نبود تشکیلات اداری با نقش مؤثر مردم، دست‌به‌گریبان بود.

مدیریت و دست‌اندرکاران غیرمتخصص: یکی از مسائل مهم شرکت‌های سهامی زراعی، استفاده از افراد سیاسی، امنیتی و غیرمتخصص در مدیریت این شرکت‌ها بود. براساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، مهم‌ترین افراد و تصمیم‌گیرندگان اصلی شرکت، مأموران امنیتی، دولتی و غیربومی بودند که ارتباط برقرار کردن با آن‌ها کار آسانی نبود. فرزند یکی از اعضای شرکت در این مورد بیان کرد: «مهندسانی هم که می‌آمدند تجربه کافی نداشتند و بارها پیش می‌آمد که خود کشاورزان برای مشکلات پیش آمده در شالیزارها راهکار نشان می‌دادند. بعدها شنیده شد که مدیرعامل شرکت از نیروهای ساواک است.»

نبود تشکیلات اداری کارآمد، مورد اعتماد و مردمی: یکی از مشکلات در شرکت سهامی زراعی رودپیش، نبود تشکیلات اداری منسجم و آگاه‌نبودن مردم از مسائل اداری بود. سازوکارهای موجود مردم را به چنین دیدگاهی رسانده بود که حرف اول و آخر در شرکت را مدیرعامل می‌زند و برای انجام تمامی امور چشم به او داشتند. سازوکار اداری سلسله‌مراتبی با تفویض اختیار مناسب در شرکت وجود نداشت. از سوی دیگر مردم احساس می‌کردند هیچ نقشی در تصمیمات شرکت ندارند و در امور مربوط به آنان هیچ مشورتی با اعضا صورت نمی‌گرفت؛ برای نمونه دو نفر از اطلاع‌رسان‌ها گفتند: «مدیرعامل اگر تصمیمی داشت و خلاف نظر مردم هم بود انجام می‌داد یا می‌توانست از کارهایی که مردم قصد انجامش را دارند جلوگیری کند.» «تمام تصمیمات را مدیرعامل می‌گرفت و فقط برای اینکه به سازمان خودشان نشان بدهند که براساس اساسنامه و تشکیلات کار می‌کنند، هیئت‌مدیره‌ای انتخاب می‌کردند.»

۶. بحث و نتیجه‌گیری

شرکت‌های سهامی زراعی به‌عنوان یک نظام نوین بهره‌برداری جمعی بعد از اصلاحات ارضی، با شکست اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در روستاهای ایران مواجه شدند. در این مطالعه، شرکت رودپیش شهرستان فومن به‌عنوان یکی از شرکت‌های سهامی زراعی فعال در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی، به‌عنوان نمونه انتخاب و با اعضا و کارکنان بازمانده از این شرکت، مصاحبه شد. مطالعات اکتشافی نگارندگان نشان داد این شرکت‌ها قبل از احداث با مسائل و تنگناهایی روبه‌رو بوده‌اند؛ یعنی برای ایجاد این شرکت‌ها، مطالعات جامعی برای تطابق این شرکت‌ها با ساختار اجتماعی-فرهنگی روستاهای ایران انجام نگرفته بود. مطابق یافته‌ها، شرکت‌های سهامی زراعی در روستاها با رویکردی دستوری برای توسعه کشاورزی و افزایش تولید شکل گرفته بودند. از جمله مسائل و تنگناهایی که شرکت سهامی زراعی رودپیش با آن مواجه بود، مسائل اجتماعی-فرهنگی از قبیل ناآگاهی از چرایی و چگونگی فعالیت این شرکت، برنامه‌ها و اهداف آن و همچنین مشارکت غیرداوطلبانه (اجباری) روستاییان صاحب زمین در فعالیت‌های این شرکت به‌عنوان سهام‌دار

بود. مورد دیگر قبل از تأسیس، روشن نبودن ابعاد قانونی و حقوقی به‌ویژه در زمینه مالکیت بود. قوانین، قواعد و اساسنامه این شرکت‌ها تضمینی برای زدودن هراس ازدست‌دادن مالکیت از ذهن روستاییان - که سواد کافی نیز نداشتند - فراهم نکرده بود و آن‌ها با دید بی‌اعتمادی و ازدست‌دادن مالکیت زمین با شرکت همکاری می‌کردند. براساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها، شرکت رودپیش با مسئله دیگری نیز قبل از تأسیس مواجه بود و آن ابهام در سود حاصل از همکاری کشاورزان با شرکت بود. شرکت هیچ تضمینی برای سود و منفعت بیشتر به کشاورزان نداده بود و در این مورد با روستاییانی که قرار بود سهام‌دار این شرکت باشند، شفاف و صادق نبود.

شرکت سهامی زراعی رودپیش بعد از تأسیس نیز با مسائل کلان اجتماعی-فرهنگی، فنی، حقوقی و سازمانی مواجه بود. همچنین با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته و صحبت‌های اطلاع‌رسان‌ها، مؤلفه مهم دیگر، زمان تولد این نوع نظام بهره‌برداری بود. این شرکت زمانی آغاز به فعالیت کرد که کشاورزان به‌تازگی طعم مالکیت را چشیده بودند و ازدست‌دادن مالکیت برای آن‌ها به‌هیچ‌عنوان قابل‌هضم نبود؛ حتی اگر عضویت در شرکت صرفه اقتصادی بیشتری برای آنان می‌داشت. از این منظر به‌نظر می‌رسد اگر شرکت‌های سهامی زراعی دقیقاً پس از اصلاحات ارضی تأسیس و جایگزین نظام ارباب-رعیتی می‌شدند، کشاورزان اقبال بیشتری نشان می‌دادند. از سوی دیگر، پس از سال‌ها که کشاورزان با مشکل کم‌آبی و خشکسالی مواجه بودند، سال زراعی ۱۳۴۸ اولین سالی بود که آب سد سفیدرود با کانال‌کشی به منطقه رسید و دقیقاً همان سال نیز فعالیت زراعی شرکت آغاز شد. زارعان بر این باور بودند که پس از ایجاد منبع آب پایدار، وضعیت اقتصادی آنان بدون حضور شرکت نیز بهبود می‌یابد.

سرمایه اجتماعی، مزیتی را که افراد و جوامع می‌توانند از مشارکت اجتماعی، کمک متقابل و اعتماد به‌دست آورند، توصیف می‌کند (کوری و استنلی، ۲۰۰۸). بهبود وضعیت زندگی و ابعاد توسعه پایدار روستایی از طریق توجه به مقوله سرمایه اجتماعی و به‌طور کلی نظریه‌های اجتماع‌محور، امکان‌پذیر است و سرمایه اجتماعی به‌مثابه شبکه، روابط و هنجارهایی تلقی می‌شود که به روستاییان کمک می‌کند با هماهنگی و برقراری رابطه با یکدیگر، راحت‌تر با مشکلات اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو شوند (پوتنام، ۱۹۹۵).

ایجاد اعتماد به برنامه‌ریزان از جانب روستاییان منوط به انجام اقداماتی است تا اعتماد تضعیف‌شده یا ازبین‌رفته احیا شود و ارتباطات سازنده روستاییان و برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران شکل بگیرد. با افزایش اعتماد روستاییان به برنامه‌ریزان، مشارکت به‌عنوان یکی از عناصر سرمایه اجتماعی توسعه خواهد یافت (طالب و همکاران، ۱۳۹۱).

نتایج پژوهش نشان می‌دهد اقدامات قبل و بعد از تشکیل شرکت نتوانست اعتماد اجتماعی لازم را برای انسجام اجتماعی و مشارکت حداکثری اعضا در فعالیت‌ها و برنامه‌های شرکت به‌وجود آورد. نبود سرمایه اجتماعی علی‌رغم وجود نیروی انسانی و شرایط اکولوژیکی مناسب و حمایت‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی نهادهای حاکمیتی و نکات مثبتی که مطلعان در مصاحبه‌ها یاد می‌کردند (مانند خدمات بهداشت عمومی و درمانی، بیمه درمان، قرارداد با بیمارستان‌ها، تأسیس مهدکودک، خدمات آموزشی و عمرانی و...) موجب شد که این نظام بهره‌برداری به‌عنوان یک برنامه توسعه‌ای مدرن به موفقیت دست نیابد.

باید توجه داشت که انسجام اجتماعی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، اجزای تشکیل‌دهنده جامعه به‌گونه‌ای به یکدیگر وصل می‌شوند که کل معنادار و مؤثری را به‌وجود می‌آورند. به عبارت دیگر انسجام اجتماعی نوعی از ترتیبات اجتماعی است که تضمین می‌کند افراد، گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی به اشتراک ذهنی (مدل ذهنی مشترک) برسند، به قوانین و قواعد آن تن دهند و از امکانات آن استفاده کنند. در مقابل، توانایی‌های خود را براساس هوش‌ها و توانمندی‌های چندگانه بازشناسی کنند، پرورش دهند و در جامعه مشارکت فراگیر و مؤثر داشته باشند. این وضعیت، ظرفیت‌ها و توانایی‌های جامعه را افزایش می‌دهد (متوسلی و زبیری، ۱۳۹۲).

در تجربه مذکور، مدیران شرکت (به عنوان یک نهاد محلی با پشتوانه ملی) موفق به ارتقای شاخص‌های سرمایه اجتماعی نشدند تا بتوانند اثرات محیطی-اکولوژیک، اجتماعی و اقتصادی ادراک شده توسط روستاییان را در فرایند توسعه پایدار روستایی بهبود بخشند و انسجام اجتماعی لازم را برای به اشتراک گذاشتن توان تمامی اعضا و بهره‌برداری جمعی به وجود بیاورند.

آن‌چنان که شواهد نشان می‌دهد، همیاری در میان روستاییان ایرانی همواره وجود داشته و طرح‌های مبتنی بر مشارکت روستاییان در جاهایی موفق‌تر بوده است که این مشارکت نه تنها در مرحله اجرا، بلکه در مرحله تصمیم‌سازی نیز متبلور شده باشد و با کسب اعتماد روستاییان، این طرح‌ها با توجه به شاخصه‌های اجتماعی، فرهنگی و قومیتی منطقه اجرا شده باشد.

مثل‌های رایج در ایران که طی سالیان متمادی در فرهنگ جامعه جا گرفته‌اند، بعضاً چنان با گفتار و کردار مردمان این سرزمین آمیخته شده‌اند که بسیاری از رفتارها و سبک زندگی جامعه ایرانی را می‌توان در آن متبلور دید. مثل «حساب به دینار، بخشش به خروار» را می‌توان در شاکله رفتار مشارکتی و توجه به تعاون و همیاری در جامعه مورد مطالعه این پژوهش مشاهده کرد. مردمانی که گهگاه روی چند سانتی‌متر زمین یا چند کیلوگرم محصول کارشان به اختلاف، درگیری و نزاع کشیده می‌شود، در بخشش به محرومان و فقرا و اطعام مردم در جشن‌ها و مراسم‌های مذهبی و کمک به افرادی که برای مثال از بلایای طبیعی، زندگی و محل سکونتشان آسیب دیده است، چنان از خودگذشتگی نشان می‌دهند و از وقت و مال و جان خود هزینه می‌کنند و دیگران را نیز به مشارکت در این امور ترغیب می‌کنند که گویی این‌ها افرادی از دو جامعه مختلف هستند. اما واقعیت امر این است که موضوع مالکیت در روستاهای ایران برای مردم اهمیت ویژه‌ای دارد. تعاون، همیاری و مشارکت در امور اگر این موضوع را تهدید کند، چندان جاذبه‌ای برای روستاییان نخواهد داشت؛ خصوصاً اینکه دستیابی به منفعت حاصل از مشارکت، دارای یک چشم‌انداز بلندمدت باشد. از این رو نمی‌توان رفتار جامعه روستایی ایران را به دور از مشارکت و دارای روحیه تکروی دانست؛ چنان‌که در منطقه مورد مطالعه این پژوهش، همیاری در زمینه لایروبی آنها، ساخت و تعمیر راه‌ها و بناهای عمومی، برداشت محصول، رفع مشکلات همسایگان و... از گذشته تاکنون وجود داشته است. همچنین نمی‌توان گفت که این جامعه به صورت تمام و کمال آماده مشارکت در پروژه‌های جمعی است و بی‌شک مسائل مادی و خصوصاً بحث مالکیت، تا حدودی این مسئله را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در نظرنگرفتن شرایط اجتماعی و فرهنگی و تجربه زیسته مردم بومی، عدم احترام به مالکیت و نداشتن برنامه‌ریزی لازم برای کسب اعتماد اجتماعی - که لازمه سرمایه اجتماعی مورد نیاز برای اجرای هر برنامه توسعه محلی است - هر طرحی را برای ایجاد یک نظام بهره‌برداری جدید با شکست مواجه خواهد کرد. در تأسیس شرکت‌های مذکور، به جامعه محلی و توان و ظرفیت‌های آن توجهی نشد و مردم از مشارکت واقعی در فرایند توسعه برنامه‌ریزی شده محروم شدند و تا زمانی که مردم، امکانات و دانش بومی در نظر گرفته نشود، موفقیتی برای برنامه‌ها و پروژه‌ها متصور نیست. زمانی توانایی رسیدن به توسعه همه‌جانبه را خواهیم داشت که دولت و جامعه با یکدیگر کار کنند، نه اینکه در دو جهت متفاوت زیست کنند (ازکیا و دیباجی فروشانی، ۱۳۹۵). علاوه بر اطلاعات ارزشمند نهفته در دانش بومی، شناخت‌شناسی بومیان، رابطه بین کارشناسان و مردم محلی را قوام خواهد بخشید. یکی از دروس مهمی که پژوهشگران توسعه از دانش بومیان آموخته‌اند، اهمیت نگرش سیستمی به محیط است. در محیط روستا همه چیز به همه چیز مربوط است (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸: ۱۱۷-۱۱۸). باید دانست هر روستا در واقع برای خود دنیایی است. باید روستاییان را در جریان توسعه دخالت داد (لهسائی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۱).

از آنجا که بخش مهمی از ابعاد، آثار و منافع توسعه پایدار به آینده برمی‌گردد و منافع آنی برای افراد ملموس‌تر و خواستنی‌تر است، کسب اعتماد جامعه برای رسیدن به اهداف آن خصوصاً در جامعه روستایی که افراد آگاهی و سواد کمتری دارند، سخت ولی الزامی است. باید اذعان کرد با افزایش سطح تحصیلات در نسل‌های جدید، اجرای برنامه‌های توسعه‌ای در محیط‌های روستایی به مراتب

می‌تواند از این حیث سهل‌تر از گذشته باشد؛ هرچند با تغییرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی - به‌ویژه در سال‌های اخیر - توسعه اجتماعات محلی نیز با چالش‌های جدیدی روبه‌رو است.

با توجه به یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود: برای پیشگیری از اثرات سوء ناشی از تکه‌تکه شدن زمین‌های کشاورزی چاره اندیشی شود؛ زیرا کشاورزی در زمین‌هایی با مساحت کوچک مقرون‌به‌صرفه نخواهد بود و این موضوع آینده کشاورزی، زندگی روستاییان و امنیت غذایی کشور را به خطر خواهد انداخت؛ با جلب اعتماد اجتماعی و حمایت از کشاورزی و کشاورزان، از اقداماتی چون فروش بی‌رویه زمین‌های زراعی و تغییر کاربری آن و مهاجرت روستاییان جلوگیری شود تا شاهد از بین رفتن خرده‌فرهنگ‌های بومی و بافت سنتی روستایی نباشیم؛ چرا که این امر موجب از بین رفتن سرمایه اجتماعی در روستاها خواهد شد؛ مینه لازم برای تشکیل واحدهای جمعی بهره‌برداري (مانند شرکت‌های سهامی زراعی) فراهم شود و حداقل کشاورزان در گروه‌های چندنفره به بهره برداری جمعی ترغیب شوند تا هزینه‌های تولید کاهش یابد؛ درباره فقر علمی کشاورزی و توسعه دانش‌بنیان روستاها در مناطق مختلف کشور و همچنین راهکارهای مشارکت مردم در طرح‌های نوین، پژوهش‌های کاربردی صورت گیرد و آموزش‌های لازم و مؤثر در زمینه‌های مختلف از جمله کشاورزی، اقتصادی و فرهنگی برای روستاییان ارائه شود؛ و مدل بومی توسعه روستایی و کشاورزی برای مناطق مختلف ایران تدوین شود.

مأخذ مقاله: مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی اثرات تشکیل و انحلال شرکت‌های سهامی زراعی بر توسعه پایدار روستایی (مطالعه موردی: رودپیش فومن)»، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲). ابعاد نظری و روش‌شناختی نظام‌های بهره‌برداري. مجموعه مقالات اولین همایش نظام‌های بهره‌برداري کشاورزی در ایران؛ چالش‌ها و چاره‌ها. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و نظام بهره‌برداري، دفتر مطالعات و طراحی نظام‌های بهره‌برداري.
- ازکیا، مصطفی و ایمانی، علی (۱۳۹۴). توسعه پایدار روستایی. تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی و دیباجی فروشانی، شکوه (۱۳۹۵). نقد برنامه‌های توسعه روستایی در ایران. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۵(۱)، ۱۰۳-۱۲۵. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.58378>
- اصلاحی، حسین (۱۳۹۸). اصلاحات ارضی و گام‌های صدور اسناد مالکیت زمین و ساختمان در ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بابایی همتی، غلامحسین (۱۳۵۰). شرکت سهامی زراعی سندنج. مرکز تحقیقات روستایی وزارت تعاون و امور روستاها، مجری طرح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، بخش روستایی و عشایری. شماره ثبت ۹. تهران.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۹). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدمیر (۱۳۹۱). نظریه‌های توسعه روستایی. تهران: سمت.
- حقوقی اصفهانی، مرتضی (۱۳۹۰). شرکت‌های سهامی زراعی؛ الگویی در نظام بهره‌برداري کشاورزی ایران. چاپ اول. تهران: کندوکاو.
- خرمشاد، محمدباقر و موسی‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۶). بررسی پیامدهای اجتماعی سیاست تقسیم اراضی انقلاب اسلامی ایران بر مبنای روش AHP. دوفصلنامه دانش سیاسی، ۱۳(۲)، ۷۷-۱۰۱. <https://doi.org/10.30497/pk.2018.2163>
- خسروی، خسرو (۱۳۵۸). جامعه‌شناسی روستایی ایران. تهران: پیام.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۹۲). توسعه و نابرابری. تهران: مازیار.

- طالب، مهدی، میرزایی، حسین و نادری، عفوات (۱۳۹۱). ارزیابی نقش مشارکت در طرح‌های توسعه مناطق روستایی (بررسی موردی: طرح‌های تجمیع مناطق روستایی). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۴(۱)، ۱-۱۸. <https://doi.org/10.22059/jrd.2012.28895>
- عمادی، محمدحسین و عباسی، اسفندیار (۱۳۷۸). حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار؛ جلد اول: مبانی، مفاهیم و باورهای حاکم. تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.
- عبری، موسی (۱۳۹۵). *جامعه‌شناسی توسعه: از اقتصاد تا فرهنگ*. تهران: سمت.
- فال سلیمان، محمود و حجب‌پور، محمد (۱۳۹۱). اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکت‌های سهامی زراعی (نمونه: شرکت سهامی زراعی سهل‌آباد در شهرستان نهبندان). *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ۳(۹-۱۰)، ۴۷-۶۶.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۶۸). *اقتصاد سیاسی ایران*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: پایپروس.
- کشاورز، هوشنگ، صفی‌نژاد، جواد و حاجبی، ویدا (۱۳۵۰). شرکت سهامی زراعی قصرشیرین. مرکز تحقیقات روستایی وزارت تعاون و امر روستاها. مجری طرح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، بخش روستایی و عشایری. شماره ثبت ۱۸، تهران.
- کیانی‌منش، داود (۱۳۵۰). شرکت سهامی زراعی گرمسار. مرکز تحقیقاتی وزارت تعاون و امور روستاها. مجری طرح مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، بخش روستایی و عشایری. شماره ثبت ۱۲، تهران.
- لمتون، آن کاترین سواين فورد (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران. ترجمه منوچهر امیری. تهران: علمی-فرهنگی.
- لمتون، آن کاترین سواين فورد (۱۳۹۴). *اصلاحات ارضی در ایران (۱۳۴۰-۱۳۴۵)*. ترجمه مهدی اسحاقیان. تهران: امیرکبیر.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی توسعه روستایی*. شیراز: زر.
- متوسلی، محمود و زبیری، هدی (۱۳۹۲). انسجام اجتماعی؛ منشأ توسعه اقتصادی. *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۵(۲)، ۴۹-۷۴. <https://doi.org/10.22059/jrd.2013.50584>
- مرتضوی تبریزی، مسعود (۱۳۸۳). *مهاجرت روستاییان به شهرها و تأثیرات اقتصادی و سیاسی آن در دوره پهلوی دوم*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز تحقیقات دفتر ارزشیابی شرکت‌های سهامی زراعی و تعاونی‌های تولید روستایی (۱۳۵۴). *خلاصه‌ای از بررسی ۶۵ شرکت سهامی زراعی که از سال ۱۳۴۷ لغایت ۱۳۵۳ در نقاط مختلف کشور تشکیل شده‌اند*. تهران: مدیریت امور پردازش یافته‌های تحقیقاتی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصادی کشاورزی.
- مرکز تحقیقات دفتر تحقیقات روستایی و ارزشیابی فعالیت‌های رفاهی وزارت تعاون و امور روستاها (۱۳۵۲). *ارزشیابی اقدامات و فعالیت‌های سازمان بیمه‌های اجتماعی روستاییان در حوزه عمل شرکت سهامی زراعی رودپیش (گیلان)*. تهران: مدیریت امور پردازش یافته‌های تحقیقاتی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصادی کشاورزی.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۴۸). شرکت سهامی زراعی سمسکنده (ساری). مرکز تحقیقات روستایی وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی. مجری طرح: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، بخش تحقیقات روستایی. تهران.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۵۰). شرکت سهامی زراعی سمسکنده (ساری). مرکز تحقیقات روستایی وزارت تعاون و امور روستاها. مجری طرح: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، بخش تحقیقات روستایی و عشایری. تهران.
- نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی ایران*. تهران: کلمه.
- وثوقی، منصور (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: کیهان.
- وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی (۱۳۴۷). *اقدامات انجام‌شده برای تشکیل شرکت سهامی زراعی رودپیش*. تهران: وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی.
- هوگلاند، اریک (۱۳۹۸). *زمین و انقلاب در ایران ۱۳۴۰-۱۳۶۰*. ترجمه فیروزه مهاجر. چاپ اول. تهران: شیرازه کتاب ما.

- Azkiya, M. (2003). Theoretical and Methodological Dimensions of Exploitation Systems. *Proceedings of the First Conference on Agricultural Exploitation Systems in Iran; Challenges and Solutions*. Tehran: Ministry of Agricultural Jihad, Deputy of Extension and Exploitation System, Study and Design Office of Exploitation Systems. (In Persian)
- Azkiya, M., & Dibaji Forooshnai, Sh. (2016). Criticism the Rural Development Plans in Iran. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 5(1) 103-125. <https://doi.org/10.22059/jisr.2016.58378>(In Persian)
- Azkiya, M., & Imani, A. (2015). *Sustainable Rural Development*. Tehran: Ettelaat Publications. (In Persian)
- Anbari, M. (2016). *Sociology of development; from economics to culture*. Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Babaei Hemmati, Gh. (1971). *Sanandaj agricultural joint-stock company*. Tehran: Institute of Social Studies and Research, University of Tehran, Rural and Nomadic Department. (In Persian)
- Blaikie, N. (2010). *Designing Social Researchs*. Translated by: H. Chavoshian. Tehran: Ney Publications. (In Persian)
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*. London: Sage Publications.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101
- Currie, G., & Stanley, J. (2008). Investigating links between social capital and public transport. *Transport Reviews*, 28(4), 529-547. <https://doi.org/10.1080/01441640701817197>
- Emadi, M. H., & Abbasi, E. (1999). *Ancient wisdom in the modern age: Application of local knowledge in sustainable development; the first volume: Basics, concepts and ruling beliefs*. Tehran: Ministry of Construction Jihad, Research Center for Rural Issues. (In Persian)
- Eslahi, H. (2019). *Land reforms and the steps of issuing land and building ownership documents in Iran*. Tehran: Sahami Publications. (In Persian)
- Fal Soleyman, M., & Hajjipoor, M. (2012). Economic and social effects of agricultural joint-stock companies (Example: Sahl'abad Agricultural Joint-Stock Company in Nehbandan City). *Journal of Arid Regions Geographic Studies*, 3(9-10), 47-66. (In Persian)
- Hoghooghi Esfahani, M. (2011). Agricultural joint-stock companies; a model. In *Iran's Agricultural Exploitation System*. Tehran: Kandokav Publications. (In Persian)
- Hoogland, E. J. (2012). Land and revolution. In *Iran; 1960-1980*. Translated by: F. Mohajer. Tehran: Shirazehketab Publications. (In Persian)
- Katoozian, M. A. (1989). *Political economy of Iran*. Translated by: M. R. Nafisi & K. Azizi. Tehran: Papiroos Publications. (In Persian)
- Keshavarz, H., Safinezhad, J., & Hajebi, V. (1971). *Ghasr-e-Shirin agricultural joint-stock company*. Tehran: Institute of Social Studies and Research, University of Tehran, Rural and Nomadic Department. (In Persian)
- Khosravi, Kh. (1979). *Rural sociology of Iran*. Tehran: Payam Publications. (In Persian)
- Khorranshad, M. B., & Moosanezhad, M. J. (2018). Investigating the social consequences of dividing land in the Islamic Republic of Iran using AHP. *Political Knowledge Scientific Journal*, 13 (2), 77-101. <https://doi.org/10.30497/pk.2018.2163> (In Persian)
- Kianimanesh, D. (1971). *Garmsar agricultural joint-stock company*. Tehran: Institute of Social Studies and Research, University of Tehran, Rural and Nomadic Department. (In Persian)
- Lahsaeizadeh, A. A. (2000). *Sociology of rural development*. Shiraz: Zar Publications. (In Persian)

- Lambton, A. K. S. (1983). *Landlord and peasant in Iran*. Translated by: M. Amiri. Tehran: Elmi-Farhangi publishing company. (In Persian)
- Lambton, A. K. S. (2015). *The Persian land reforms; 1962-1966*. Translated by: M. Es'haghian. Tehran: Amirkabir Publications. (In Persian)
- Ministry of Land Reforms and Rural Cooperation (1968). *Actions taken to form rudpish agricultural joint-stock company*. Tehran: Ministry of Land Reforms and Rural Cooperation. (In Persian)
- Mortazavi Tarizi, M. (2004). *Migration of villagers to cities and its economic and political effects in the second Pahlavi*. Tehran: Islamic Revolution Documents Center Publications. (In Persian)
- Motevasseli, M., & Zobeiri, H. (2013). Social cohesion; origins of economic development. *Community Development (Rural and Urban)*, 5(2), 49-74. <https://doi.org/10.22059/jrd.2013.50584> (In Persian)
- Nik Kholgh, A. A. (2000). *An Introduction to Rural Sociology in Iran*. Tehran: Kalameh Publications. (In Persian)
- Nik Kholgh, A. A. (1969). *Semeskandeh Agricultural Joint-stock Company (Sari)*. Tehran: Institute of Social Studies and Research, University of Tehran, Rural Department. (In Persian)
- Nik Kholgh, A. A. (1971). *Semeskandeh Agricultural Joint-stock Company (Sari)*. Tehran: Institute of Social Studies and Research, University of Tehran, Rural and Nomadic Department. (In Persian)
- Papoli Yazdi, M. H., & Ebrahimi, M. A. (2012). *Theories of Rural Development*. Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Putnam, R. (1995). Tuning in, tuning out: The strange disappearance of social capital in America. *Political Science and Politics*, 28(4), 664-683. <https://doi.org/10.2307/420517>
- Research Center of Evaluation Office of Agricultural Joint-Stock Companies and Rural Production Cooperatives. (1975). *A summary of the survey of 65 agricultural joint-stock companies that were formed from 1968 to 1974 in different parts of the country*. Tehran: Management of Processing Research Findings of the Institute of Planning and Economic Agricultural Research. (In Persian)
- Taleb, M., & Mirzaie, H., & Naderi, A. (2012). Evaluation of the role of public participation in rural development projects (Case study: Combining plans in rural areas). *Community Development (Rural and Urban)*, 4(1), 1-18. <https://doi.org/10.22059/jrd.2012.28895> (In Persian)
- The Research Center of the Office of Rural Research and Evaluation of Welfare Activities of the Ministry of Cooperatives and Rural Affairs. (1973). *Evaluation of actions and activities of social insurance organization of villagers in the field of operation of rudpish agricultural joint-stock company (Guilan)*. Tehran: Management of Processing Research Findings of the Institute of Planning and Economic Agricultural Research. (In Persian)
- Vosooghi, M. (2012). *Rural sociology*. Tehran: Keyhan Publications. (In Persian)
- Zahedi, M. J. (2013). *Development and inequality*. Tehran: Maziar Publications. (In Persian)